

بررسی فضای مفهومی عشق در رمان‌های ایرانی عامه‌پسند و ادبی دهه ۸۰

نادر صنعتی^{۱*}، حسن چاوشیان^۲، الهام جهانی^۳

چکیده

این مقاله درصدد است تا به بازنمایی فضای مفهومی عشق در رمان‌های عامه‌پسند و ادبی دهه ۸۰ بپردازد. چارچوب مفهومی پژوهش حاضر برگرفته از نظرات گیدنز، بک، بک‌گرنشایم و باومن است. همچنین با بهره‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند چهار رمان ادبی (کافه نادری، چه کسی باور می‌کند رستم، ویران می‌آیی و رویای تبت) و رمان‌های عامه‌پسند (الهه شرقی، دالان بهشت، من او و پریچهر) برگزیده شده است. ملاک تقسیم رمان‌ها به ادبی و عامه‌پسند بر حسب ویژگی‌هایی چون پرفروش بودن و مفهوم محوری عشق بود. در مورد رمان‌های ادبی، چون دربرگیرنده محتوای مختلف بودند، از کتاب چهارم «رمان‌های معاصر فارسی» میمنت میرصادقی نیز چند نمونه رمان انتخاب شد. نمونه‌هایی که محتوایشان مفاهیم لازم را برای پُر کردن مقولات مفهوم عشق در جهت تکوین کار در اختیارمان قرار می‌داد. روش استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است که پس از استخراج مقوله‌های محوری مشخص شد، که داستان‌های عامه‌پسند، نماینده‌ای از عشق رمانتیک در جامعه هستند و در این رمان‌ها عشق حالتی از تقدس دارد؛ درحالی‌که رمان‌های ادبی نماینده‌ای از عشق سیال در جامعه‌اند. در این رمان‌ها تشنگی عشق در تمام شخصیت‌های داستان حضور دارد. بر این اساس، نوع عشق در دو گونه رمان با هم متفاوت است و مفهومی از تحول عشق رمانتیک به عشق سیال فقط در یک گونه رمان، یعنی رمان‌های ادبی نفوذ کرده است. البته زنان داستان در هر دو گونه‌ی رمان به اندازه‌ی مردان قدرت دارند و همه رمان‌های عامه‌پسند و ادبی دهه‌ی اخیر خوشبختی زن و مرد را در کنار یکدیگر نمایش می‌دهند.

واژگان کلیدی: عشق، رمان ادبی، رمان عامه‌پسند، عشق سیال، عشق رمانتیک

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۱۸

۱. استادیار جامعه‌شناسی عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور ایران، تهران (نویسنده مسئول)

Email: sanatinader@yahoo.com

Email: hasanchavoshian@gmail.com

۲. دانشیار عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان

Email: ejahani67@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور

بیان مسئله

دغدغه‌ی عشق و نیمه‌ی گمشده از آغاز خلقت وجود داشته، ولی در دوران حاضر مفهومی دیگر یافته است. مفهوم عشق در زمان‌های گذشته اغلب در قالب ازدواج و قرارداد بود و به اندازه‌ی امروز مهم نگشته بود. مارتین سگالن معتقد است که «عشق برای جامعه‌ی دهقانی پدیده‌ای ناشناخته نبود و ضرب‌المثل‌ها، هدایا و مناسک مختلف همگی به حضور و آگاهی از آن اشاره دارند» (سگالن، ۱۳۷۰: ۱۵۲). ستاری نیز بر اساس مستندات به جا مانده از زمان قدیم معتقد است که می‌توان «دغدغه‌ی عشق را در کارنامه‌ی دوهزارساله‌ی مردم ایران دید؛ ویس و رامین کارنامه‌ی عشقی مردمی است که آتش عشق در کانون سینه‌شان فروزان بوده و جان تاریکشان را روشن می‌ساخته است». (ستاری، ۱۳۷۹: ۴۷۱). با وجود این، تنها در دهه‌های اخیر است که عشق به صورت امری بسیار مهم و حیاتی درآمده است؛ به طوری که افراد به دلیل عشق ازدواج می‌کنند و استحکام ازدواج در گرو استمرار رابطه‌ی عاشقانه است.

در همین راستا بک و بک‌گرنشایم در کتاب "آشوب ازلی عشق" دوره‌ی ما را دوره‌ای آکنده از منافع متضاد خانواده، کار، عشق و آزادی برای تعقیب اهداف فردی می‌دانند. پس شاید شگفت‌آور نباشد که خصومت‌های میان زنان و مردان رو به افزایش می‌رود. بک و بک‌گرنشایم ادعا می‌کنند که کشاکش میان دو جنس ماجرایی اصلی زمان ما است. نبرد جنس‌ها که امروزه در جریان است واضح‌ترین نشانه‌ی عطش عشق مردم است. مردم به دلیل عشق ازدواج می‌کنند و به دلیل عشق نیز جدا می‌شوند، آنها درگیر چرخه‌ی بی‌پایانی از امید بستن، پشیمان شدن و تلاش دوباره‌اند. درحالی‌که از یک طرف تنش‌های میان مردان و زنان بسیار زیاد است، از طرف دیگر امید و ایمان ژرفی به امکان یافتن عشق حقیقی وجود دارد. (بک و بک-گرنشایم، ۱۳۹۸)

از سویی دیگر گیدنز معتقد است که مفهوم عشق از گذشته تا به اکنون تحولی چشمگیر یافته است. بنابر نظر وی پیش از گسترش مدرنیته روابط جنسی قبل از ازدواج امکان نداشت و معنای عشق تنها ناظر به امور شهوانی بود. سپس به تدریج از اواخر قرن هیجدهم، عشق رمانتیک پدیدار شد؛ این عشق در ارتباط با دیگر تغییرات اجتماعی بود و به عنوان تحولی بزرگ در ازدواج و زندگی شخصی افراد محسوب می‌شد. مفهوم عشق در این دوره حالتی از جاودانگی داشت (گیدنز، ۱۹۹۲). اما به تدریج و با ورود به دوران معاصر، عشق سیال جایگزین عشق رمانتیک شد؛ به طوری که افراد در حال حاضر فقط برای روابط و رضایت ازدواج می‌کنند. آنها

بدون هیچ ترس و اضطرابی به دنبال لذت جنسی‌اند و لذت جنسی برای زن در این دوره مطرح می‌شود (کسل، ۱۳۸۳).

اما این ادعای گیدنز تا چه حد در جامعه‌ی ما صادق بوده و عشق سیال جایگزین عشق رمانتیک در روابط بین زنان و مردان شده است؟ به نظر می‌رسد بررسی رمان‌های منتشرشده در دو دهه‌ی اخیر می‌تواند مسیر مناسبی برای یافتن پاسخ به این پرسش باشد؛ چراکه رمان به‌منزله حضور انسان امروزی در مقام شاهدهی برای موجودیت هستی کنونی است (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۸) و بنابراین آینه تمام‌نمای آن چیزی است که ما زندگی می‌نامیم (تقی‌پور، ۱۳۸۷). با توجه به مطالب یادشده در این پژوهش بر آن هستیم تا با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی، فضای مفهومی عشق در ادبیات عامه‌پسند و نخبه‌گرا را بررسی کنیم و به این پرسش‌ها پاسخ گوئیم:

- ۱- رمان‌های عامه‌پسند و ادبی ایرانی چه نوع عشقی را بازنمایی می‌کنند؟
- ۲- بازنمایی این مفهوم در دو گونه رمان یکسان است یا متفاوت؟
- ۳- آیا مفهوم تحول عشق به رمان‌های ایرانی عامه‌پسند و ادبی نفوذ کرده است؟

ادبیات پژوهش

تحقیقات خارجی

آنتونی گیدنز یکی از مهم‌ترین صاحب‌نظرانی است که درباره تحول معنا و مفهوم عشق در ادوار مختلف بحث کرده است. کمتر متنی را در این عرصه می‌توان یافت که آرای وی را مرور نکرده باشد. گیدنز (۱۹۹۲) تحول عشق را به سه دوره تقسیم کرده است. به باور وی تا پیش از قرن هجدهم منظور و مراد از عشق همان اتفاق شورانگیزی بود که از سوئی فرد عاشق را از قیدوبند روابط اجتماعی آزاد می‌کرد و او را به‌سان دیوانه‌ای در نزد دیگران جلوه‌گر می‌ساخت و از سوئی دیگر درون‌مایه‌ای عرفانی و الهی می‌یافت. این عشق در میان مردم عمومیت نداشت و به افراد خاصی محدود می‌شد. داستان‌های دوره قرون وسطی سرشار از چنین عشقی است. عشقی که از سوی شهبازان و قهرمانان به ملکه و نجیب‌زادگان ابراز می‌شد. از اواخر قرن هجدهم و هم‌زمان با تغییرات ساختاری خانواده و کوچک شدن آن، عشق رمانتیک پا به عرصه وجود گذاشت که بر یگانگی معشوق در چارچوب یک خانواده هسته‌ای معنا و مفهوم می‌یافت. بنابراین ادبیات این دوره هم به تشویق و ترغیب چنین رابطه یگانه و نابی میان زن و شوهرها

پرداخت و آن را به‌عنوان هدف مهم ازدواج تبلیغ و ترویج کرد. عشق رمانتیک هرچند به‌ظاهر آرمانی و مطلوب به نظر می‌رسید، اما به باور برخی از فعالان فمینیست به‌منزلهٔ ایدئولوژی‌ای بود که زنان را از عرصه‌های عمومی دور و آنها در قیدوبند کارهای خانگی محدود و محصور می‌کرد. بنابراین با شعله‌ور شدن جنبش‌های مساوات‌طلبانه، مفهوم عشق سیال قدم به عرصهٔ وجود گذاشت و ضرورت پایداری در یک رابطه صمیمانه را مورد تردید قرار داد. به این ترتیب روابط اختیاری کوتاه‌مدت همراه با تساوی لذت جنسی برای زن و مرد، محور مرکزی مفهوم عشق شد (گیدنز، ۱۹۹۲). زیگمونت باومن نیز در کتابی با همین عنوان (عشق سیال) هم‌نظر با گیدنز معتقد است که مردم امروزه معتقدند که تا می‌توانند نباید به زیر بار تعهد دادن و تعهد گرفتن بروند. آنها تمایل دارند بیش از یکی از تجربه‌های زندگی خود را عشق بنامند، تضمین نمی‌کنند که عشق فعلی آنها آخرین عشقی است که تجربه می‌کنند، و انتظار تجربه‌های بیشتری از این دست را دارند. امروزه مهارت‌های معاشقه همگام با انباشت تجربه افزایش می‌یابد، و اینکه عشق بعدی تجربه‌ای لذت‌بخش‌تر، اما کم‌شورتر از عشق فعلی خواهد بود (باومن، ۱۳۸۴). بک و بک‌گرنشایم البته این امر را برخلاف نظر گیدنز به جنبش‌های مساوات‌طلب فمینیستی نسبت نمی‌دهند و معتقدند که جست‌وجوی هموارهٔ عشق به‌عنوان یک گمشده، محصول زندگی در جهانی است که به‌غایت مقهورکننده، غیرشخصی، انتزاعی و به‌سرعت روبه‌تغییر است. در دنیای عدم قطعیت، بیم و خطر، عشق است که واقعیت دارد. آنها معتقدند که عشق جست‌وجویی است در پی خویشتن، تقلایی برای تماس و ارتباط واقعی با خود و با دیگری، شریک شدن در جسم، در اندیشه، روبه‌رو شدن با یکدیگر بدون هیچ سد و مانعی، اعتراف کردن و بخشیده شدن، درک کردن، تأیید و حمایت از آنچه بود و آنچه هست، اشتیاقی به خانه و کاشانه و پشت‌پناهی برای مقابله با تردیها و اضطراب‌هایی که زندگی مدرن ایجاد می‌کند. پس مردم هم همچنان به‌دنبال رؤیاهای فریبندهٔ عشق خواهند دوید تا وقتی که همهٔ آنها به‌ناگاه به کابوس بدل شوند (بک و بک‌گرنشایم، ۱۳۹۸).

اما به‌راستی این تحول در معنای عشق از دیروز تا به امروز رخ داده است؟ ویلموت^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «زنان جوان، در مسیر آموزش و اشتغال و ساخت گفتمانی از عشق و صمیمیت» به بررسی فهم عشق پرداخت. وی این تحقیق را با مصاحبه از سی زن جوان با

1. Wilmot

تحصیلات، طبقه اجتماعی، آموزش و شرایط خانوادگی مختلف انجام داد. در این تحقیق دختران یکی از دلایل مهم ادامه تحصیل را ارتباط جنسی با جنس مخالف بیان کرده بودند. بسیاری از دختران تأکید می‌کردند که تجربه‌های دوستی با پسران در دوران دانشجویی آنها افزایش یافته است و تعداد زیادی از آنها با پسران هم‌خانه بوده‌اند. یکی دیگر از نتایج تحقیق این بود که عشق رمانتیک تا حدی به زنان استقلال داد، ولی عشق سیال این استقلال را بیشتر کرد. ظاهراً مطابق با این پژوهش عشق سیال در بین جوانان رو به گسترش است. هرچند در این میان فیلم‌ها و رمان‌های عاشقانه نیز بی‌تأثیر نیستند. در همین راستا جکسون^۱ (۲۰۰۱) در تحقیق خود نشان می‌دهد که افراد روابط خود را با جنس مخالف بر اساس داستان‌هایی که خوانده‌اند، سازمان‌دهی می‌کنند. همین امر باعث محرومیت زنان از آموزش و گفت‌وگوی صحیح با جنس مخالف و گاهی به تجاوز به آنان منجر می‌شود. در داستان‌های عامیانه دختر تمام سختی‌ها را تحمل می‌کند تا دوست‌پسر تغییر یابد و به سوی او گردن نهد. این رمان‌ها بر زنانگی و انفعال و فارغ شدن از خود تأکید می‌کنند. همچنین زنان بر اساس این رمان‌ها فکر می‌کنند، که روزی آن عشق واقعی رخ خواهد داد و دوست‌پسر آنان از آنها مراقبت کامل خواهد کرد. به این ترتیب، رمان‌های عامه پسند، دامی برای سوءاستفاده و تجاوز زنان در جامعه می‌شود.

تحقیقات داخلی

محمد دهقان در کتاب *وسوسه عاشقی* می‌نویسد: ایرانیان، به همان اندازه که زن را تحقیر می‌کردند، عشق ورزیدن به او را نیز به ریشخند می‌گرفتند. در نزد آنان «مهر زنان مثل دم خر» بود که «هرگز از یک گز فزون‌تر» نمی‌شد. عشق ورزیدن به زن پیروی از «دیو» به‌شمار می‌رفت. در این باره، ایرانیان متمدن ظاهراً تفاوتی با عرب‌های بدوی نداشتند. عاشق شدن بر زن نزد اعراب هم سخت ناروا شمرده می‌شد. چنان‌که از افسانه مجنون پیداست، رسم بر آن بود که اگر مردی به عشق زنی شهرت می‌یافت، آن زن را دیگر به او نمی‌دادند (دهقان، ۱۳۸۷: ۸۲).

صادقی‌فر (۱۳۸۷) به بررسی وضعیت عشق در ازدواج و چگونگی تغییر آن در طول زندگی مشترک پرداخته است. نتایج تحقیق وی حاکی از این است که نوع نگاه زنان و مردان در مورد عشق متفاوت است؛ مردان به جنبه‌های جنسی و غریزی عشق توجه دارند، در مقابل، زنان به

1. Jackson

جنبه‌های احساسی، هیجان‌آمیز و عاطفی عشق تاکید بیشتری می‌کنند. بعضی از مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، عشق رمانتیک را دارای ابعادی بیمارگونه، حماقت‌بار و جنون‌آمیز می‌دانستند. یکی دیگر از نتایج این پژوهش، نقش عاشق برای مردان و معشوق برای زنان بود. عاملیت و سوزگی در عشق‌های مورد مطالعه صادقی‌فر، با مردان بوده است و آنها به‌عنوان عاشقان، معشوق را در عرصه عشق راهنمایی می‌کردند. البته دختران کم‌کم در این زمینه دست به عمل می‌زدند. افراد مصاحبه‌شونده در این تحقیق با عشق ازدواج می‌کردند، اما به‌مرور این عشق کاهش می‌یافت. زنان دوست داشتند عشق را بشنوند، ولی خودشان ابراز عشق نمی‌کردند. زنان بیشتر از مردان به وجود عشق در رابطه زناشویی اهمیت می‌دادند. علاوه بر این، زنان بیشتر از مردان تلاش می‌کردند که عشق را در زندگی‌شان بازتولید کنند. ظاهراً مطابق با پژوهش صادقی‌فر هنوز عشق رمانتیک به‌عنوان یک ایدئولوژی بر فضای ذهنی زنان و مردان ما سایه افکنده است و کلیشه‌های جنسیتی درباره عاملیت مردانه و انفعال زنانه گسترده است. باین‌حال، نظام‌آبادی (۱۳۸۸) در تحقیق خود با تحلیل محتوای کیفی شش رمان پر فروش دهه اخیر نشان می‌دهد که زنان به دنبال تعریف جدیدی از هویت و قدرت در خانواده هستند و تلاش برای درکی برابر و غیرکلیشه‌ای از عشق در بطن این نوشته‌ها دیده می‌شود.

روش پژوهش

روش انتخاب‌شده برای تحلیل متن رمان‌ها در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است. «در این روش متن به شیوه‌ای قاعده‌مند و گام‌به‌گام به واحدهای تحلیلی تقسیم می‌شود و با دنبال کردن سؤال اصلی یا همان مسئله پژوهش، مقوله‌ها بر اساس جنبه‌های نظری ویژه تکوین می‌یابند و از طریق حلقه‌های بازخورد و بازنگری‌های لازم، تطابق مقوله در رابطه با نظریه و شیوه‌های تحلیل تضمین می‌شود. هدف و غایت پژوهش، نه شمارش تکرار مقوله‌های کاملاً دقیق از پیش تعیین شده، بلکه دست‌یافتن به ژرفای ادراکی و تفسیری متون مورد تحلیل، با بهره‌گیری از ماهیت انعطاف‌پذیر رویکرد کیفی است (حریری، ۱۳۸۵).

ملاک تقسیم‌بندی رمان‌ها به عامه‌پسند و ادبی بر اساس کتاب «صد سال داستان‌نویسی در ایران» اثر حسن میرعابدینی (۱۳۸۳) بوده است. منظور از ادبیات عامه‌پسند، رمان‌های پرفروشی است که از نظر تعداد، برتری چشمگیری در مقایسه با آثار متعالی داشته‌اند. این رمان‌ها

هم‌خوانی بیشتری با نیازهای روحی خوانندگان و پیوند محکم‌تری با محیط اجتماعی آنان دارند و از این رو، برای مطالعه وضع فرهنگی جامعه و مردم عامه مدارک بهتری هستند. اما اهمیت رمان متعالی از این روست که طرح رمان متعالی متکی بر ایجاد پرسش و جست‌وجوی چراها و روابط علت و معلولی است، مطالعه این رمان‌ها ما را با دغدغه‌ها و مسائل روشنفکران جامعه روبه‌رو می‌کند؛ چون با خواندن این گونه رمان‌ها از خود می‌پرسیم چرا این واقعه روی داد (میرعابدینی، ۱۳۸۳). بنابراین هر دو گونه رمان از لحاظ محتوا حائز اهمیت و بررسی هستند. در این پژوهش انتخاب رمان‌های عامه‌پسند بر اساس ویژگی‌هایی چون پرفروش بودن و مفهوم محوری عشق بود که میرعابدینی این رمان‌ها را رمان‌های پاورقی خوانده است. در مورد رمان‌های ادبی، چون دربرگیرنده محتواهای مختلف بودند، از کتاب چهارم «رمان‌های معاصر فارسی» میمنت میرصادقی، چند نمونه رمان انتخاب شد. نمونه‌هایی که محتوایشان مفاهیم لازم را برای پر کردن مقولات مفهوم عشق در جهت تکوین کار در اختیارمان قرار می‌داد. البته ناگفته نباید گذاشت که در انتخاب رمان‌های ادبی به معیارهایی که حسن میرعابدینی برای رمان‌های متعالی ذکر می‌کند نیز توجه شده است. بر این اساس از میان رمان‌های عامه‌پسند منتشرشده در بازه زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶، رمان‌های *دلان بهشت*، *پریچهر*، *رؤیا و من* و *او برگزیده شد*. رمان‌های ادبی مورد تحلیل این تحقیق نیز *کافه نادری*، *ویران می‌آیی*، *چه کسی باور می‌کند رستم و رُویای تبت* انتخاب شدند.

بررسی و تحلیل رمان‌ها

در ابتدا به خلاصه‌ای از رمان‌ها اشاره می‌شود و سپس به تحلیل آنها بر اساس مقوله‌ها خواهیم پرداخت.

خلاصه «پریچهر»

فرهاد و هومن دو فرد تحصیلکرده در فرانسه هستند که بعد از اتمام تحصیلات به ایران برمی‌گردند و ازدواج هر دوی آنها شکستن اختلاف طبقاتی موجود در جامعه است. فرهاد عاشق دختری به نام فرگل می‌شود که سال‌ها چهره او را در خواب دیده بود. خانواده فرگل از طبقه متوسط جامعه محسوب می‌شوند و فرگل هم که از دوستان خانوادگی فرهاد است، سه‌سال پیش با دیدن عکس فرهاد عاشق او می‌شود. این دو برخلاف اختلاف طبقاتی بسیار، با هم ازدواج

می‌کنند ولی از آنجایی که فرگل مبتلا به تومور است، زندگی مشترک آنها پس از چند روز خاتمه می‌یابد. فرهاد و هومن در شاهزاده‌عبدالعظیم با پیرزنی به نام پریچهر آشنا می‌شوند. این داستان گریزی به گذشته می‌زند و از تمام استبدادها و بی‌اختیاری‌های یک زن در زندگی سخن می‌گوید. پریچهر داستان زندگی خود را که سراسر پستی و بلندی است برای آنها شرح می‌دهد و آنها درمی‌یابند که تنها چیزی که در کل زندگی پریچهر وجود نداشته است مفهومی به نام عشق بوده است.

خلاصه «دالان بهشت»

قهرمان داستان که مهناز است لب به سخن می‌گشاید و از ازدواج، عشق و پشیمانی خود سخن می‌گوید. در این ازدواج محمد، مهناز را دوست دارد، ولی قبل از مطلع کردن مهناز، از طرف خانواده خود از مهناز خواستگاری می‌کند. خانواده مهناز پاسخ مثبت می‌دهند، ولی چون هر دوی آنها در سن پایینی قرار دارند، چند سالی را در دوران نامزدی به سر می‌برند. اختلاف در همان دوران نامزدی بین آنها بالا می‌گیرد و از هم جدا می‌شوند. ولی مهناز بعد از رفتن محمد، می‌فهمد که چقدر بچگی کرده است و تقریباً تمام اشتباهات از جانب او بوده است. در این دوران دوستانی مثل نرگس در ارتقای شخصیت و اخلاق مهناز بسیار مؤثر واقع می‌شوند. مهناز از نظر روحی به محمد بسیار وابسته است و نمی‌تواند به شخص دیگری فکر کند. او منتظر بازگشت محمد است. محمد هم که بعد از طلاق به خارج از کشور برای ادامه تحصیل می‌رود، به گفته خودش چندین بار قصد ازدواج می‌کند، ولی او هم به دنبال زنی با شخصیت مهناز است، برای همین قصد ایران می‌کند تا مهناز را به دست آورد. محمد و مهناز بعد از گذشت چند سال به وصل می‌رسند، ولی این بار برخلاف بار اول می‌دانند که چه‌طور زندگی کنند.

خلاصه «الهة شرقی»

کیمیا دختری بسیار زیبا پس از طلاق از همسرش اردلان برای ادامه تحصیل به فرانسه می‌رود. در آنجا با رابین خواهرزاده زن عمویش آشنا می‌شود که تک‌پسری پولدار، خوش‌تیپ و خوش‌گذران آمریکایی است. رابین در همان ابتدا سعی می‌کند با نفوذی که دارد او را تحت حمایت خود قرار دهد، ولی کیمیا اجازه نزدیکی او را به خود نمی‌دهد. رابین به شدت به او علاقه‌مند می‌شود، ولی اختلافات فرهنگی آنها دائماً باعث ایجاد سوء تفاهم برای کیمیا می‌شود

تا اینکه رابین به علت عشق شدید، شروع به مطالعه راجع به فرهنگ و کشور ایران و اسلام می‌کند و کیمیا را همچون الهه‌ای شرقی، بیمارگونه می‌پرستد. اکنون کیمیا هم دل به عشق رابین سپرده است. این داستان در پایان یک تراژدی به معنای واقعی است؛ مرگ و عدم وصل خاتمه این داستان است.

خلاصه «من او»

داستان مربوط به زندگی فردی به نام علی فتاح (از خانواده‌های قدیمی تهران) است. علی فرزند یک تاجر معتبر است که در جنوب شهر زندگی می‌کنند. در نوجوانی عاشق مهتاب، خواهر عزیزترین رفیقش کریم، که نوکرشان هم بود، می‌شود ولی این علاقه در طول عمر مهتاب به ازدواج نمی‌انجامد. هدف علی پاک و مقدس نگاه داشتن عشق خود به مهتاب است، برای همین تا مدت‌ها با مهتاب ازدواج نمی‌کند و زمانی که تصمیم به این کار می‌گیرد در شب عقد، مهتاب فوت می‌کند.

خلاصه «کافه نادری»

فرزاد مفتون، پسر باغ‌دار ثروتمندی در کاشان و خبرنگاری در پاریس است که با تینوش دختر یک کارخانه‌دار ثروتمند ازدواج می‌کند. او با بیشتر فعالان سیاسی اروپا و کشورهای شمال آفریقا رفت‌وآمد دارد. در حین سفر هم به کارهای مطبوعاتی و هم به روابط عاشقانه با زن‌های مختلف می‌پردازد. تینوش که از سفرهای پیاپی فرزاد خسته شده است، همراه با دو دختر خردسالشان، در شهر مونیخ آلمان مقیم می‌شود و با طراحی لباس زندگی مرفهی را برای خود و دخترهایش فراهم می‌کند و چند سال بعد، به دلیل اختلافات بسیار از فرزاد طلاق می‌گیرد و با دندانپزشکی فرانسوی ازدواج می‌کند. مفتون بعد از انقلاب به ایران می‌آید. شبی همراه با ساربان، یکی از همکاران مجله، در یک مهمانی شرکت می‌کند. در این مهمانی، فرامرز سازگار که در دوران جوانی دلباخته تینوش بوده است، ماجرای عشق خود را به تینوش، برای جمع بازگو می‌کند. فرزاد مفتون دگرگون می‌شود و با پریشانی مهمانی را ترک می‌کند و از آن به بعد با نامه‌هایی که به ظاهر از پاریس برای ساربان می‌فرستد، خبرهایی به دروغ از خودش می‌دهد. یکی دو سال بعد، پدر فرزاد در کافه‌قنادی نادری قرار ملاقاتی با ساربان می‌گذارد و در آنجا به او خبر می‌دهد

که فرزند در این مدت در ایران بوده و چندی پیش بر اثر بیماری سرطان درگذشته است. پدر فرزند کلیه نوشته‌های او را به ساریان می‌سپارد (میرصادقی، ۱۳۸۵).

خلاصه «چه کسی باور می‌کند رستم»

شورا دوران کودکی خود را در خانواده‌ای مرفه و پرجمعیت می‌گذراند و از کودکی بین او و رستم، پسرپچه‌ای که پدر بزرگ شورا او را از ده خود به خانه آورده است، محبتی ساده و پاک به وجود می‌آید. شورا به دنبال عشقی سوزان با جهانبخش جهاندار، جوانی که در خارج از کشور مشغول تحصیل است، ازدواج می‌کند. با او به خارج از کشور می‌رود و در آنجا ادامه تحصیل می‌دهد و بنا به میل همسرش در آنجا ماندگار می‌شود. اما دل‌بستگی شورا به خانواده و به خصوص به رستم، باعث می‌شود که شورا هر چند سال یکبار به ایران بیاید تا دوستی خود را حفظ کند. در طول سال‌ها، شورا در یکی از سفرهای خود به ایران، از مرگ ناگهانی رستم باخبر می‌شود و به لندن برمی‌گردد. دل‌تنگی و سرگردانی روحی شورا که از زندگی در خارج از کشور راضی نیست و با شوهر و دختر خود نیز بستگی روحی و فرهنگی ندارد، بعد از مرگ رستم، به نهایت می‌رسد و شورا را به جست‌وجوی عشق قدیمی خود، در شخص دیگری وامی‌دارد (همان).

خلاصه «رویای تبت»

شعله پرستار جوانی است که ناگهان با بی‌وفایی مهرداد، دوست خود، روبه‌رو می‌شود و امید و آرامش خود را از دست می‌دهد. خواهر او شیوا که چند سالی از او بزرگ‌تر است، با شوهرش، جاوید، سال‌هاست که زندگی آرام و خوشبختی دارند. وقتی صادق، دوست قدیمی جاوید، به دلیل کارهای سیاسی بعد از سه سال از زندان آزاد می‌شود، دیگر شور و حال گذشته را ندارد و خیال رفتن به خارج از کشور را دارد. او وقتی از شکست شعله در عشق باخبر می‌شود، در دیدارهایی پنهانی که با شعله دارد، سعی می‌کند او را به امید و زندگی برگرداند. بعد از مدتی شعله آرام آرام به صادق دل می‌بندد، اما حس می‌کند که صادق دل‌بسته او نیست. دیدارهای هر روزه آنها بر اثر تردیدهای صادق چند بار قطع می‌شود. سرانجام صادق تصمیم خود را برای رفتن از ایران عملی می‌کند. در مهمانی‌ای که جاوید به مناسبت رفتن صادق می‌دهد، صادق و شیوا، عشقی را که نسبت به‌کدیگر دارند، آشکار می‌کنند و شعله به راز آشفته‌گی‌های شیوا و امتناع‌های صادق پی می‌برد (همان).

خلاصه «ویران می آیی»

روزبه، دانشجوی جوان سیاسی، با فردوس دختری از خانواده‌ای فقیر آشنا می‌شود. این آشنایی به دوستی و عشق شدید دختر به روزبه می‌انجامد. روزبه برای ادامه تحصیل در آمریکا، عشق فردوس را به خود دست‌وپاگیر می‌بیند، از این جهت قرار ملاقاتی با فردوس می‌گذارد و پنهانی پدر فردوس را از این قرار باخبر می‌کند تا پدر، مانع رفت‌وآمدهای فردوس با روزبه شود. در همان روز، دوستان روزبه، مأموریت جابه‌جا کردن اسناد سیاسی را به فردوس می‌دهند و فردوس تصادفاً چند لحظه پیش از دیدار با روزبه، دستگیر می‌شود. روزبه که شاهد صحنه دستگیری فردوس است، خود را در دستگیری او مقصر می‌داند و با عشق شدیدی به فردوس دچار عذاب وجدان می‌شود و فرصت ادامه تحصیل در آمریکا را از دست می‌دهد. فردوس یکی دو ماه بعد آزاد می‌شود، ازدواج می‌کند و به شهرستان می‌رود. دو سال بعد طلاق می‌گیرد و به تهران برمی‌گردد و منشی مطب دندانپزشکی می‌شود و به دنبال مقدمات مهاجرت به کانادا است. در همین روزها، زهره‌کی از دوستان قدیمی او، قرار ملاقاتی با روزبه را برای او ترتیب می‌دهد و او روزبه را در پارک ملاقات می‌کند(همان).

تحلیل رمان‌ها

زمانی که در این پژوهش به بررسی مفهوم عشق می‌پردازیم، متوجه شدیم که مفهوم عشق در رمان‌ها فقط به حیطه روابط قبل از ازدواج محدود نیست، بلکه بخش بزرگی از این عشق در روابط بعد از ازدواج تجلی می‌یابد. به همین دلیل برای سهولت و روشنی کار در مقوله‌سازی، عشق را به دو حیطه روابط قبل از ازدواج و روابط بعد از ازدواج تقسیم و برای هرکدام از این دو حیطه، مقوله‌هایی اصلی به همراه چندین مصداق تعیین کردیم. جدول شماره ۱ این مقوله‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مقوله‌های مرتبط با فضای مفهومی عشق

| روابط قبل از ازدواج | |
|---------------------|---|
| مقوله شاخص | مصداق |
| انواع عشق | عشق احساساتی، عشق رمانتیک، عشق سیال (مدرن)، عشق مادرانه، عشق برادرانه، عشق پدرانه، عشق به خود، عشق به خدا، عشق واقعی، عشق جنسی، عشق نوروژیک، عشق بت‌پرستانه |
| وجوه ابراز عشق | خواستگاری از جانب پسر، خواستگاری از جانب دختر، خواستگاری سنتی |

ادامه جدول ۱. مقوله‌های مرتبط با فضای مفهومی عشق

| روابط قبل از ازدواج | |
|-----------------------------|---|
| مقوله شاخص | مصادیق |
| اشکال ازدواج | ازدواج کاملاً سنتی با صلاحدید پدر، ازدواج با انتخاب پدر و با انتخاب سطحی فرزند، ازدواج خودسرانه، ازدواج اجباری، ازدواج با انتخاب طرفین و بعد صلاحدید پدر، ازدواج مادی، ازدواج به انتخاب طرفین |
| معیارهای ازدواج | اختلاف طبقاتی، تفاهم فکری و اخلاقی، سن |
| توجه دو طرف به عشق و حفظ آن | بسیار پررنگ، پررنگ، بسیار کم‌رنگ، کم‌رنگ، بی‌رنگ |
| نقش خانواده | نقش پدر، نقش مادر، نقش مادرشوهر، نقش پدرشوهر، مادرزن، پدرزن، برادر و.... |
| رخدادها و حوادث | لذت جنسی بدون هیچ محرمیتی، تعهد زن، تعهد مرد، وعده تعهد در بلندمدت، هدیه، جدایی، مجرد، مرگ، خودکشی، تجربه قبلی زندگی فرد در عشق و ازدواج، ازدواج مجدد |
| روابط بعد از ازدواج | |
| مقوله شاخص | مصادیق |
| نقش زن و مرد در حفظ عشق | بسیار پررنگ، پررنگ، بسیار کم‌رنگ، کم‌رنگ، بی‌رنگ |
| نقش خانواده | نقش پدر، نقش مادر، نقش مادرشوهر، نقش پدرشوهر، نقش مادرزن، نقش پدرزن، نقش برادر |
| نقش فرزند | اهمیت فرزند در حفظ بنیان خانواده، جنسیت فرزند و اهمیت آن، نقش فرزند در حفظ عشق، کامل شدن زندگی با حضور فرزند |
| رخدادها و حوادث | خیانت، آزار روحی، فرار یا ترک خانه، دعوا، خشونت فیزیکی، طلاق، تعهد زن، تعهد مرد، هدیه، خشونت فیزیکی، خواستگار مجدد، ازدواج و زندگی مجدد |
| دیگر مسائل داستان | |
| مقوله شاخص | مصادیق |
| نسل گذشته | نسل گذشته در تقابل با نسل حال، به چالش کشیدن گذشته، به چالش کشیدن حال، نشان دادن دو یا سه نسل در کنار یکدیگر، پررویی و بی‌پروایی نسل حال، قانع بودن نسل گذشته |
| عشق و ازدواج شخصیت‌های فرعی | خواهر، برادر، مادر، پدر، دوست، مادر و پدر دوست، عمه، خاله، عمو، دایی، پسرعمو، پدربزرگ، مادر بزرگ، برادرشوهر، خواهرشوهر و... |

انواع عشق و شیوه‌های ابراز آن

یکی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش دستیابی به این نکته بود که عشق موجود در داستان‌های عامه-پسند مورد بررسی، نماینده‌ای از عشق رمانتیک در جامعه بودند؛ در این داستان‌ها عشق حالتی از تقدس به خود می‌گرفت. در تمام این رمان‌ها ابراز عشق و خواستگاری از جانب پسر بود، حتی زمانی که دختر عاشقانه پسر را دوست می‌داشت باید منتظر می‌ماند تا پسر به او ابراز عشق نماید. در مقابل، عشق موجود در رمان‌های ادبی نماینده‌ای از عشق سیال در جامعه بودند؛ در این رمان‌ها تشنگی عشق در تمام شخصیت‌های داستان حضور داشت. همچنین در اکثر رمان‌های ادبی، دختر بدون توجه به بی‌اعتنایی پسر در حفظ عشق و ابراز آن بسیار تلاش می‌کرد.

جدول ۲. مقوله انواع عشق و ابراز عشق

| داستان‌ها | انواع عشق | وجوه ابراز عشق یا همان خواستگاری |
|-------------------------|-------------|----------------------------------|
| دالان بهشت | عشق رمانتیک | از جانب پسر |
| پریچهر | عشق رمانتیک | از جانب پسر |
| الهة شرقی | عشق رمانتیک | از جانب پسر |
| من او | عشق رمانتیک | از جانب پسر |
| کافه نادری | عشق سیال | از جانب دختر |
| چه کسی باور می‌کند رستم | عشق سیال | از جانب پسر |
| رویای تبت | عشق سیال | از جانب پسر / روشن نشده |
| ویران می‌آبی | عشق سیال | از جانب دختر |

انواع ازدواج و معیارهای آن

تحلیل کیفی رمان‌ها نشان می‌داد که تقریباً نقش طرفین (دختر و پسر) در انتخاب یکدیگر در هر دو گونه داستان «پررنگ» است، ولی نقش خانواده در رمان‌های ادبی یا «کم‌رنگ» بود یا به دلیل نداشتن اهمیت به آن اشاره‌ای نشده بود. همچنین توجه به مفهوم اختلاف طبقاتی در داستان‌های عامه‌پسند کم‌رنگ شده بود و در داستان‌های ادبی نیز آنچنان اهمیتی نداشت. تقریباً مسئله تفاهم در اکثر داستان‌ها مطرح می‌شود، ولی به‌طور کامل به آن پرداخته نمی‌شود.

جدول ۳. انواع ازدواج و معیارهای آن

| معیارهای ازدواج | | انواع ازدواج | نام داستان |
|-----------------|---------------|-----------------------------------|-------------------------|
| تفاهم | اختلاف طبقاتی | | |
| بسیار کم‌رنگ | - | انتخاب پدر و بعد انتخاب فرزند | دالان بهشت |
| متوسط | کم‌رنگ | انتخاب طرفین و بعد انتخاب خانواده | پریچهر |
| متوسط | - | انتخاب طرفین و بعد انتخاب خانواده | الهة شرقی |
| کم‌رنگ | کم‌رنگ | انتخاب طرفین | من او |
| کم‌رنگ | - | انتخاب طرفین | کافه نادری |
| - | - | انتخاب طرفین و بعد انتخاب خانواده | چه کسی باور می‌کند رستم |
| متوسط / - | - / پررنگ | انتخاب طرفین- به ازدواج نرسید | رؤیای تبت |
| - | - | به ازدواج نرسید | ویران می‌آیی |

نقش طرفین در حفظ عشق در روابط قبل و بعد از ازدواج

با بررسی این رمان‌ها به این نتیجه رسیدیم که نقش زنان در حفظ عشق در حیطه روابط قبل و بعد از ازدواج «پررنگ» است، اما نقش مردان در حفظ عشق در روابط قبل از ازدواج بسیار «پررنگ» است، ولی بعد از ازدواج این نقش «کم‌رنگ» و «بی‌رنگ» می‌شود.

نقش خانواده در حفظ عشق در روابط قبل و بعد از ازدواج

در داستان‌های عامه‌پسند، نقش خانواده در حمایت از طرفین موافق نشان داده شده است، ولی در داستان‌های ادبی به نقش خانواده اشاره نشده یا خانواده در نقش مخالف ظاهر شده است. در داستان‌های عامه‌پسند به فرزند اشاره‌ای نشده است و در داستان‌های ادبی داشتن فرزند در تحکیم عشق تأثیری ندارد.

رخدادها و حوادث قبل از ازدواج

در این رمان‌ها، رخدادها و حوادثی قبل از ازدواج از قبیل ارتباط فیزیکی، فرار، سکس، مرگ، خودکشی، طلاق و ترک دوستی رخ داده است. «مرگ» و «عدم وصال» فقط در رمان‌های عامه-پسند مطرح شده است؛ به طوری که در این رمان‌ها با عدم وصال، به عشق جنبه روحانی و آسمانی بخشیده شده است.

جدول ۴. رخدادها و حوادث قبل از ازدواج

| رخدادها و حوادث قبل از ازدواج | | | | | | | نام داستان |
|-------------------------------|------|-----|-----|--------|------|------------|-------------------------|
| ار تباط فیزیکی | فرار | سکس | مرگ | خودکشی | طلاق | ترک دوستی | |
| - | - | - | - | - | - | - | دالان بهشت |
| - | - | - | ✓ | ✓ | - | - | پریچهر |
| - | - | - | ✓ | - | ✓ | - | الهة شرقی |
| - | - | - | ✓ | - | - | کم | من او |
| - | - | - | - | - | - | - | کافه نادری |
| - | - | - | - | - | - | - | چه کسی باور می‌کند رستم |
| - | - | - | - | - | - | کم / - | رؤیای تبت |
| - | ✓ | - | - | - | - | بسیار زیاد | ویران می‌آیی |

رخدادها و حوادث بعد از ازدواج

تحلیل و بررسی به ما نشان می‌دهد که در اکثریت داستان‌های ادبی و عامه‌پسند، خشونت فیزیکی بسیار کم است، اما پس از ازدواج «آزار روحی» و «طلاق عاطفی» در رمان‌های ادبی موج می‌زند.

جدول ۵. رخدادها و حوادث بعد از ازدواج

| رخدادها و حوادث بعد از ازدواج | | | | | | | نام داستان | |
|-------------------------------|------------|-------|----|------|-----------|---------|------------|--------------|
| ازدواج مجدد | طلاق | خیانت | | فرار | آزار روحی | پشیمانی | | مرگ |
| | | مرد | زن | | | | | |
| ✓ | ✓ | - | ✓ | - | پررنگ | ✓ | - | بسیار کم‌رنگ |
| - | - | - | - | - | - | - | ✓ | - |
| - | - | - | - | - | - | - | - | - |
| - | - | - | - | - | - | - | - | - |
| ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | - | پررنگ | ✓ | - | پررنگ |
| - | طلاق عاطفی | - | ✓ | - | پررنگ | ✓ | ✓ | - |
| - | طلاق عاطفی | - | ✓ | - | پررنگ | - | - | - |
| - | - | - | - | - | - | - | - | - |

بازنمایی گذشته و حال

صحبت راجع به گذشته و سنت تقریباً در اکثر رمان‌ها وجود داشت، ولی در رمان‌های ادبی افراد بیشتر درگیر زندگی حال و نیز تنها گذشته خویش بودند، نه گذشته دیگران.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق بررسی و مقایسه مفهوم عشق در رمان‌های عامه‌پسند و ادبی دهه اخیر بود. بر اساس تحلیل محتوای رمان‌ها به این نتیجه رسیدیم که بازنمایی عشق در داستان‌های عامه‌پسند و ادبی متفاوت است. عشق موجود در داستان‌های عامه‌پسند، تا حدودی نماینده‌ای از عشق رمانتیک در جامعه هستند. در این رمان‌ها ابراز عشق از جانب پسر است. حتی زمانی که دختر عاشقانه پسر را دوست می‌دارد باید منتظر باشد تا پسر به او ابراز عشق کند. این مسئله همان‌گونه که صادقی‌فر (۱۳۸۷) نیز بدان اشاره کرده است بیانگر عاملیت مردان و انفعال زنان در عرصه عشق رمانتیک است. همچنین تقریباً تمام داستان‌های عامه‌پسند بر عشقی مقدس بدون توجه به تفاهمی منطقی و عاقلانه تأکید می‌کنند. آنها عشق را حلال بسیاری از مشکلات می‌دانند و چندان توجهی به نشان دادن روابط بعد از ازدواج ندارند. البته در اکثر داستان‌های عامه‌پسند، ابتدا فرد همسر خود را از روی عشق و علاقه انتخاب می‌کند و به تفاهم می‌رسد و بعد از آن خانواده در انتخاب و ارزیابی نهایی وارد می‌شود. بنابراین در داستان‌های عامه‌پسند، رضایت خرسندی خانواده نقش مهمی در رضایت طرفین از زندگی‌شان دارد. تمامی این نکات نشان می‌دهد که انتظارات جامعه سنتی، تأثیر خود را در این رمان‌ها برجای گذاشته است. ظاهراً «در فرایند ازدواج در ایران، همسریابی و گزینش همسر آرام‌آرام از یکدیگر منفک می‌شوند. به طوری که جوانان به مرور در جریان مرحله اول (همسریابی) فعال‌تر می‌شوند. اما به هنگام اتخاذ تصمیم نهایی که مستلزم ارزیابی و داوری است، کار والدین و بزرگ‌ترها آغاز می‌شود» (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۱۲۰). البته ناگفته نباید گذاشت که در این داستان‌ها زنان داستان به اندازه مردان قدرت دارند و رابطه نابی که گیدنز مشخصه عشق سیال می‌داند، توانسته به رمان‌های عامه‌پسند نفوذ کند. بنابراین داستان‌های عامه‌پسند، تمام ویژگی‌های عشق رمانتیک را ندارند و توانسته‌اند تا حدی عناصری از تساوی زنان و مردان را در خود داشته باشند. بنابراین شاید این بتواند شروعی برای منطبق‌سازی عشق در داستان با جامعه باشد.

اگر عشق موجود در رمان‌های عامه‌پسند، نماینده عشق رمانتیک هستند؛ عشق در رمان‌های ادبی نماینده‌ای از عشق سیال در جامعه هستند. در اکثر رمان‌های ادبی، دختر بدون توجه به بی‌اعتنایی پسر در حفظ عشق او بسیار تلاش می‌کند. این امر نشان می‌دهد که زن از موقعیت انفعالی گذشته خارج شده است و نقش پررنگی در رابطه عاشقانه ایفا می‌کند. علاوه بر این، رمان‌های ادبی توجه ویژه‌ای به روابط بعد از ازدواج دارند؛ روابطی که دخالت خانواده‌ها در آن در مرکز توجه نیست و البته با مشکل بی‌عشقی مواجه است. در مجموع، این آثار نشان‌دهنده تمام فرازوفرودهای عشق سیال می‌باشد. اول از همه، ظهور فردیت و شخصی شدن عشق و عاشقی در این رمان‌ها مطرح است. این امر حکایت از به فردیت رسیدن انسان معاصر ایرانی دارد که با تمام وجود، در رمان جدید حضور یافته است و از سوی دیگر، بیانگر فاصله‌گرفتن ساختارهای جامعه، از حالت ساده، ابتدایی و حماسی قدیم، به سمت ساختارهای پیچیده و مدرن است (غلام، ۱۳۸۳). دوم عطش عاشق شدن همان‌گونه که بک و بک‌گرنشایم (۱۳۹۸) به آن اشاره کرده‌اند در این نوع روابط به خوبی مشهود است. عطشی که به ستیز میان جنس‌ها در روابط بعد از ازدواج انجامیده است (مایلز، ۱۳۸۷) و شکست را برایشان به ارمغان می‌آورد. با این حال، آن‌ها به جای گوشه‌نشینی و عزلت، به سراغ عشق دیگری می‌روند؛ نه از روی ناچاری، بلکه از روی علاقه و بیشتر از عشق قبلی از آن لذت می‌برند. این نکته‌آداور گفته باومن (۱۳۸۴) می‌باشد که در دوران ما شمار روزافزونی از مردم تمایل دارند بیش از یکی از تجربه‌های زندگی خود را عشق بنامند. به این ترتیب، در داستان‌های ادبی همه افراد عشق سیالی را به دوش می‌کشند و در پایان تمام داستان‌ها، زندگی آنها بدون هیچ سامانی و با نهایت سرگستگی پایان می‌پذیرد.

گلدمن زمانی نوشت که «رمان در واقع برگردان زندگی روزمره در عرصه ادبی است» (گلدمن، ۱۳۷۱:۲۹). حال می‌توان پرسید که بررسی فضای مفهومی عشق در رمان‌های ادبی و عامه‌پسند، حاوی چه نکاتی درباره جامعه ایرانی است؟ در این خصوص ویلموت (۲۰۰۷) اشاره جالبی دارد. به گفته وی رمان‌ها یک نوع عشق غیرواقعی را به نمایش می‌گذارند. گیدنز (۱۹۹۲) نیز با نگاهی منتقدانه به عشق رمانتیک بر این باور است که مصرف مشتاقانه داستان‌های رمانتیک باعث به وجود آمدن حد زیادی از انفعال در جامعه می‌شود، در حدی که افراد با حرکت به سوی وهم و خیال از واقعیت جامعه دور می‌شوند. این در حالی است که بشر امروز سخت با تنهایی

اگزستانسیال خود دست به گریبان است و به گفته فروم (۱۳۶۹: ۱۹) «برای غلبه بر تنهایی به سمت لذت‌های آمیخته با عیاشی و میگساری روی آورده و بعد از تمام شدن آن لذت مجدداً تنهایی به سراغش می‌آید».

به نظر می‌رسد وقت آن رسیده باشد که مفهوم مقدس عشق در فرهنگ ایرانی، از آسمان به زمین آورده شده و مورد بازنگری جدی قرار گیرد.

منابع

۱. امیرخانی، رضا (۱۳۷۸)، *من او*، تهران: انتشارات سوره مهر
۲. باومن، زیگمونت (۱۳۸۴)، *عشق سیال (در باب ناپایداری پیوندهای انسانی)*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس
۳. بک، اولریش و بک‌گرنشایم، الیزابت (۱۳۹۸)، *آشوب ازلی عشق؛ بررسی ماهیت عشق در جامعه مدرن*، ترجمه نیل آزادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۴. کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام‌نور تهران
۵. حریری، نجلا (۱۳۸۵)، *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی
۶. خسرونجلی، رؤیا (۱۳۸۲)، *اللهه شرقی*، تهران: نشر یسنا
۷. دهقانی، محمد (۱۳۸۷)، *وسوسه عاشقی (بررسی تحول مفهوم عشق در فرهنگ و ادبیات ایران)*، تهران: جوانه رشد
۸. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش
۹. ستاری، جلال (۱۳۷۹)، *پیوند عشق میان شرق و غرب*، اصفهان: نشر فردا
۱۰. سگالن، مارتین (۱۳۷۰)، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز
۱۱. سنایور، حسین (۱۳۸۲)، *ویران می‌آیی*، تهران: نشر چشمه
۱۲. شریفیان، روح‌انگیز (۱۳۸۲)، *چه کسی باور می‌کند رستم*، تهران: انتشارات مروارید
۱۳. صادقی‌فر، اکرم (۱۳۸۷)، *بررسی وضعیت عشق در ازدواج و چگونگی تغییر آن در طول زندگی مشترک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی
۱۴. صفوی، نازی (۱۳۷۸)، *دالان بهشت*، تهران: نشر ققنوس
۱۵. فروم، اریک (۱۳۶۶)، *هنر عشق ورزیدن*، ترجمه پوری سلطانی، تهران: انتشارات مروارید
۱۶. قیصریه، رضا (۱۳۸۲)، *کافه نادری*، تهران: نشر ققنوس

۱۷. غلام، محمد (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی رمان فارسی، *مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی*، دوره ۱۲، شماره ۴۵-۴۶ تابستان و پاییز، صص ۱۷۳-۱۲۹
۱۸. گلدمن، لوئیس (۱۳۷۱)، *جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)*، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نشر هوش و ابتکار
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشرنی
۲۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ققنوس
۲۱. مایلز، روزالیند (۱۳۸۷)، *زن و رمان*، ترجمه علی آذرننگ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲۲. مودب‌پور، م. (۱۳۷۸)، *پریچهر*، تهران: نشر نواندیش
۲۳. میرصادقی، میمنت (۱۳۸۵)، *رمان‌های معاصر فارسی*، جلد چهارم، تهران: نشر نیلوفر
۲۴. میرعابدینی، حسن (۱۳۸۳)، *صدسال داستان‌نویسی در ایران*، تهران: نشر چشمه
۲۵. نظام‌آبادی، مهزی (۱۳۸۸)، *زن و قدرت در خانواده (تحلیل محتوای کیفی شش رمان پرفروش دهه اخیر)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی
۲۶. وفی، فریبا (۱۳۸۴)، *رؤیای تبت*، تهران: نشر مرکز

27. Giddens, Anthony (1992), *The Transformation of Intimacy: Sexuality, Love and Eroticism in Modern Societies*, Oxford: polity press
28. Jackson, sue (2001), *happily never after: Young Women's Stories of Abuse in Heterosexual Love Relationships*. *Feminism & Psychology*, vol.11 (3), pp. 305-321
29. Wilmot, Helen (2007), *Young Women, Routes through Education and Employment and Discursive Construction of Love and Intimacy*, *Current Sociology*, vol. 55(3), pp. 446-466

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی